

بسمه تعالی

برنامه فرهنگی سواحل؛ به سوی پیوست فرهنگی

(مصوب جلسه ۷۷۷ مورخ ۱۴۰۱/۵/۴ شورای فرهنگ عمومی کشور)

مقدمه

ساحل به عنوان جزئی از زیبایی‌های طبیعت و جلوه‌های جمال الهی و به مثابه محیط طبیعی، زندگی بشری را در ساحت‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی سیاسی به خود گره زده است. هم اکنون در آغازین سال‌های قرن بیست و یکم، حدود دوسوم مردم جهان، رقمی معادل ۳/۷ میلیارد نفر، در حاشیه ۶۰ کیلومتری از دریا زندگی می‌کنند. ایران نیز با بهره‌مندی از ۵ هزار و ۸۰۰ کیلومتر خط ساحلی و همجواری ۷ استان گیلان، مازندران، گلستان، خوزستان، بوشهر، هرمزگان و سیستان و بلوچستان با دریا، همواره در طول تاریخ با «مسائل ساحلی» مواجه بوده است. اگر مناطق ساحلی کشور را به سه حوزه خلیج فارس و مکران و خزر تقسیم کنیم، طبعاً نظام مسائل فرهنگی اجتماعی آن‌ها با هم متفاوت خواهد بود. برای مثال تناسب نداشتن جمعیت ورودی گردشگران به استان‌های مجاور دریای خزر در تعطیلات، با ظرفیت جمعیتی این مناطق و خاصه سواحل آن‌ها، معضلاتی مانند حجم انبوه زباله در سواحل، ایجاد بازار کاذب در منطقه ساحلی و... را سبب می‌شود. از طرفی مهم‌ترین هدف نظامنامه پیوست فرهنگی، زمینه‌سازی برای ایجاد گفتمان فراگیر اصلاح عملکرد فرهنگی در تصمیمات مدیریتی در همه سازمان‌های اجرایی کشور است. در این سند بناست با تبیین نظام مسائل سواحل کشور، به الگویی جامع در سه حوزه گردشگری، عفاف و حجاب و سرگرمی که امروزه دامنگیر سواحل کشور است، دست یابیم.

۱. چارچوب مفهومی

۱.۱. پیوست فرهنگی

اجرای طرح‌های توسعه در ابعاد اقتصادی، فرهنگی، آموزشی، ارتباطی، اجتماعی، حقوقی، قضایی، سیاسی، امنیتی و...، تأثیرات مهمی در فرهنگ جامعه و شیوه زندگی می‌گذارد و بی‌توجهی به آثار و پیامدهای این‌گونه طرح‌ها نتایج زیان‌بار و جبران‌ناپذیری در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی به دنبال دارد و در مواردی در تعارض آشکار با اهداف متعالی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران قرار می‌گیرد. بنابراین رصد آثار و پیامدهای فرهنگی طرح‌ها، لوایح، تصمیمات و مصوبات، پروژه‌ها و اقدامات در دستگاه‌ها و قوای سه‌گانه و بخش خصوصی و توجه به اثرگذاری مستقیم یا غیرمستقیم موارد ذکر شده در جامعه، مسئله‌ای ضروری و اجتناب‌ناپذیر است؛ آن هم در حالی که اساساً هدف اصلی انقلاب اسلامی گسترش و حاکمیت ارزش و فرهنگ اسلامی است. همچنین بی‌توجهی به روند متناسب‌سازی طرح‌ها و

تصمیم‌ها و اقدام‌ها باعث توسعه نامتوازن و پیدایش معضلات و بعضاً بحران‌های فرهنگی در سطوح و موضوعات مختلف فردی و خانوادگی و اجتماعی می‌شود (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲)

۱.۲. گردشگری ساحلی و دریایی

براساس تعریف سازمان جهانی گردشگری، گردشگری عبارت است از همهٔ فعالیت‌های فرد که به منظور گذران ایام فراغت، انجام کار و سایر اهداف، برای مدت کمتر از یک سال به مکان‌هایی خارج از محیط عادی خود می‌رود. گردشگری صنعت پیچیده‌ای است که با ساختارها، عملکردها، صورت‌بندی‌ها و نتایج رفتاری بخش دولتی، خصوصی، تعاونی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بهداشتی، زیست محیطی و فضایی سرزمینی اعم از چشم‌اندازهای طبیعی و انسانی و فرهنگی. یکی از انواع بسیار پرطرفدار گردشگری طبیعت‌گرا، گردشگری ساحلی است. خواص درمانی آب دریا، گسترش شهرنشینی، ساخت جاذبه‌های هدفمند برای جذب گردشگران، ظهور فرهنگ عمومی گردشگری ساحلی با ایجاد شبکهٔ راه‌آهن از شهرها به سواحل و ... جملگی در رشد گردشگری ساحلی نقش پررنگ و مفصلی ایفا کرده است. نوع دیگری از گردشگری نیز وجود دارد که اغلب ذیل گردشگری ساحلی تعریف می‌شود و صنعتی ثروت‌ساز در آن به راه افتاده است و با توجه به تعاریف جهانی، با عنوان گردشگری دریایی شناخته می‌شود. گردشگری دریایی قالب‌های مختلفی دارد: تورهای کروز، اکوتوریسم دریایی و حتی سفرهای اکتشافی برای صید ماهی. امروزه در کشورهای با موقعیت اقیانوسی، بیش از ۹۰ درصد گردشگران، ساحل را به عنوان مقصد انتخاب می‌کنند. الگوهای بین‌المللی نشان می‌دهد کشورهای بهره‌مند از موقعیت ساحلی، تلاش می‌کنند تا در حوزه‌های مختلفی همچون ورزشی، تفریحی، هیجانی، سرگرمی و آرامش برنامه‌ریزی لازم را انجام دهند.

۳.۱. مسئله‌شناسی فرهنگی

سه مفهوم مشکل (problem)، مسئله (issue) و چالش (challenge) که اغلب به جای یکدیگر به کار می‌روند، در واقع سه مرحله از مواجههٔ ما با پیش‌آمد را نشان می‌دهند. هنگامی که هیچ راه‌حلی برای گرهی که در کار افتاده نداریم، در واقع با یک مشکل مواجهیم. همین که برای گشودن گره، راه حلی بیابیم از مرحله مشکل به مرحله مسئله رسیده‌ایم. حال ممکن است در مسیر وصول به اهدافمان با موانعی روبه‌رو گردیم که پیشبرد اهداف را با دشواری‌هایی همراه سازد. این مرحله را چالش می‌نامیم. اما مرحله‌ای که ما بدان تأکید می‌ورزیم و در پرداخت به موضوعات فرهنگی مدام از آن استفاده می‌شود، مرحله دوم یا همان مسئله است. در سیاست‌گذاری فرهنگی، مسئله یک فرصت است؛ یعنی منابع فرهنگی ملموس و ناملموس موجود و انطباق‌نداشتن با وضع آرمانی را به‌خوبی بشناسیم و برای تحقق اهداف فرهنگی از آن‌ها استفاده کنیم. مسئله فرهنگی را به دو صورت سلبی و ایجابی می‌توان تعریف کرد: در تعریف سلبی، مسئله فرهنگی زمانی رخ می‌دهد که نقص یا کمبودی را خبرگان فرهنگی با تعداد درخور توجهی از آحاد جامعه ادراک می‌کنند. مسئله را هم می‌توان مشاهده کرد و هم می‌-

توان اندازه گرفت. تعریف ایجابی مسئله فرهنگی این است که درک نکردن فرصت‌ها به پدید آمدن مسئله فرهنگی منجر می‌شود. ممکن است فرصت‌های متعددی باشند که بهره‌برداری نکردن از آن‌ها در زمان و موقعیت خودش، فرصت را به مسئله فرهنگی یا تهدید فرهنگی تبدیل کند.

۲. مسئله شناسی فرهنگی سواحل

کشورهای بهره‌مند از موقعیت ساحلی، تلاش می‌کنند تا در حوزه‌های مختلفی همچون ورزشی، تفریحی و هیجانی، سرگرمی و آرامش برنامه‌ریزی لازم را انجام دهند. در ایران، به‌رغم ظرفیت بسیار مطلوب در حوزه سواحل، تاکنون برنامه‌ریزی جدی و یکپارچه‌ای در این زمینه صورت نگرفته است. برای برنامه‌ریزی صحیح در این زمینه، ابتدا لازم است مسائل آن را شناسایی کنیم. این سند پس از بررسی نظام مسائل موجود در سواحل ایران، به تفکیک سه منطقه جغرافیایی ساحلی خلیج فارس و مکران و خزر، در سه حوزه گردشگری، عفاف و حجاب و سرگرمی پیشنهادهایی ارائه می‌دهد. زیست‌بوم فرهنگی و جغرافیایی در هر یک از سه منطقه ساحلی مذکور، سبب شده است تا نظام مسائل آن‌ها نیز با هم تفاوت‌های جدی داشته باشند. بنابراین تجمیع همه مسائل ذیل عناوینی واحد و ارائه نسخه‌ای واحد برای همه، نقض غرض تلقی می‌شود. بدیهی‌ترین تفاوتی که ایجاد شکافی عمیق میان سه منطقه مذکور را باعث شده است، پراکندگی جمعیتی آن‌هاست. تراکم جمعیتی در کرانه خزر، ۲ هزار نفر در هر کیلومتر مربع، در کرانه عمان ۱/۷ نفر در هر کیلومتر مربع و در کرانه خلیج فارس ۱۲ نفر در هر کیلومتر مربع تخمین زده‌اند. بنابراین می‌توان تراکم جمعیتی در سه ساحل کرانه دریای خزر و عمان و خلیج فارس را به ترتیب در سه مقیاس در حال اشباع، بسیار خلوت تا تهی و ساحل تنک، تقسیم‌بندی کرد. طبیعی است که عنصر جمعیت سبب شده است تا مسائل این مناطق با یکدیگر تفاوت‌های چشمگیری پیدا کند.

مسائل خاص منطقه‌ای

الف) مسائل کرانه خزر

تعداد استان‌های ساحلی شمال کشور، ۳ استان است که بیش از ۷۶۰۰ کیلومتر مربع آن‌ها در محدوده ساحلی قرار دارد. طول خط ساحلی در این نوار، حدود ۸۹۰ کیلومتر است. کرانه خزر ساحل کشاورزی و گردشگری و کانون جمعیتی و سکونتی است. پراکنش فضایی فعالیت‌های کشاورزی، به ویژه در محدوده‌های کشت آبی، در حاشیه جنوبی دریای خزر قرار دارد. از سویی دیگر، بیشترین اراضی جنگلی کشور که دربرگیرنده جنگل‌های تجاری و حفاظتی است، در دامنه‌های شمال البرز و کناره‌های دریای خزر واقع شده است. در نوار ساحلی جنوبی دریای خزر، بخش گردشگری کارکرد پایه‌ای اقتصاد را تشکیل داده و بخش ماهی‌گیری، شیلات و فعالیت‌های بندری کارکردهای

اقتصادی غالب بعدی محسوب می‌گردد. در مقابل نقاط قوت مذکور، نقاط ضعف و چالش‌های جدی نیز در مسیر سواحل خزر وجود دارد که به شرح زیر است:

- ۱- قاچاق مشروبات الکلی
- ۲- آلودگی‌های رو به گسترش
- ۳- نوسان تراز آب
- ۴- گسترش ویلاها و اتاق‌های اجاره‌ای در خط ساحلی
- ۵- غرق شدن هر ساله ده‌ها شهروند و گردشگر
- ۶- تناسب‌نداشتن سازه‌های خدماتی ساحلی به شمار گردشگران و گرانی خدمات به آن‌ها به ویژه در بهار و تابستان
- ۷- کمبود اسکله‌های ویژه برای قایق‌ها و شناورهای تفریحی و گردشگری
- ۸- فقدان زمین مناسب برای دفع پسماند و مواد زائد به سبب بالا بودن سطح آب زیرزمینی
- ۹- فقر فاحش هتل‌ها و اقامتگاه‌ها از نظر تجهیزات
- ۱۰- نبود سیستم مناسب تصفیه فاضلاب‌های خانگی و صنعتی و کشاورزی.

ب) مسائل کرانه خلیج فارس

تعداد استان‌های سواحل جنوبی کشور، ۴ استان است که حدود ۲۹ هزار کیلومتر مربع آن در محدوده ساحلی قرار دارد. طول خط ساحل در این نوار ۴۹۰۰ کیلومتر تعیین شده است. کرانه‌های خلیج فارس، ساحلی نفتی و گازی، شیلاتی، تجاری و سکونت‌ی است. در طول کرانه‌های خلیج فارس، نقش ارتباطات و حمل و نقل دریایی ناشی از تجارت ملی و بین‌المللی، قانونی و غیرقانونی، فعالیت‌های ناشی از نفت و گاز و ماهی‌گیری و شیلات، سه بستر مهم اقتصادی در این نوار ساحلی محسوب می‌شود.

- ۱- قاچاق آبزیان، نفت، انسان و احشام
- ۲- آلودگی دائمی دریا توسط شناورها به ویژه نفت‌کش‌ها
- ۳- صید بی‌رویه از سوی ۸ کشور پیرامونی
- ۴- صید غیرقانونی اتباع و شناورهای هندی و پاکستانی و بنگلادشی
- ۵- کمبود یا نبود سیستم اطلاع‌رسانی و نهادینه شده میان ایران و کشورهای جنوب خلیج فارس در ارتباط با تبادل اطلاعات آب‌وهوایی، کشتیرانی، پشتیبانی از لنج‌های آسیب‌دیده و...
- ۶- کمبود تأسیسات و زیرساخت‌های گردشگری

۷- تنگناهای اقتصادی معیشت ساحل‌نشینان

۸- توسعه مناطق ویژه و آزاد اقتصادی بدون وجود برنامه‌ای هماهنگ.

ج) مسائل کرانه عمان

کرانه دریای عمان از منظر موقعیت جغرافیایی و طبیعی، ژرفای آب‌های ساحلی، تعدد خورها، نزدیکی بدون واسطه به اقیانوس‌ها، بندرهای اصلی آسیا و ده‌ها امتیاز دیگر، مخصوصاً از نظر تجارت و بازرگانی بین‌المللی، شیلات و صنایع ویژه، به صورت بالقوه، بهترین ساحل ایران برای توسعه اقتصادی است.

۱- ضعف زیربنای حمل‌ونقل، بهداشت و درمان، آب، برق، گاز، تلفن، اینترنت و زیرساخت‌های صنعتی، کار و آموزش

۲- عقب‌ماندگی‌های همه‌جانبه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی.

کلان‌مسائل مشترک سواحل

با استناد به نتایج پژوهش‌ها و تحقیقات انجام شده، سه کلان‌مسئله در عرصه ساحل عبارتند از: .

۱. شادی و نشاط و فراغت

با بررسی الگوهای کشورهای مختلف، مانند امارات متحده عربی، مشخص می‌شود که ساحل سهم بسزایی در تفریحات و ایجاد نشاط در گردشگران و شهروندان بومی دارد. استفاده از ظرفیت ورزش‌های آبی و در نظرگیری امکاناتی همچون جت اسکی، قایق‌های بادی، سکوها ماهی‌گیری و... در همین راستا هستند. با وجود بستری که در ایران برای اجرای چنین برنامه‌هایی وجود دارد، در زمینه شادی و نشاط و الگوهای عمومی و فراغتی در بستر ساحل با طیفی از مسائل مواجهیم؛ فقدان الگوهای فراغتی، محدودیت در تعداد و تنوع، عدم دسترسی عموم مردم به برخی الگوها، دور از دسترس بودن برای قشرهایی از مردم مانند بانوان یا افرادی که وضعیت چندان مناسبی برای تأمین آن ندارند.

۲. عفاف و حجاب

یکی از چالش‌های اساسی پیش‌روی ما، رفتارها و پوشش‌هایی است که در ساحل، با عفاف و حجاب منافات دارند. پوشش‌های نامتعارف و زننده، رفتارهای ناهنجار و آسیب‌زا، موسیقی، شب نشینی، گردش حیوانات و روابط خارج از عرف نیز در ارتباط با این کلان‌مسئله مطرح می‌شود. این چالش، باعث شده است تا مردم بومی مناطق ساحلی، درباره آینده فرهنگ محلی خود نگران باشند. به دلیل نبود نظارت صحیح

بر فضای گردشگری ساحلی، برخی مناطق ساحلی بکر، خاصه در جزایر خلیج فارس، شاهد حضور گردشگرانی است که از این فضای یله گی سوءاستفاده کرده و به هنجارشکنی و رفتارهای خارج از عرف و شرع در سواحل روی می آورند.

۳. هویت بومی

تمامی سواحل هویت بومی خاص خودشان را دارند. رونق روزافزون گردشگری و به ویژه اقبال به گردشگری ساحلی به برنامه ریزی صحیح و اقدام مناسب نیاز دارد تا بتواند از آسیب های آن جلوگیری کند. هجوم گردشگری باعث می شود هویت محلی تخریب شود و نظم منطقه از حالت خود خارج شود. در عین حال، باید هویت بومی را به مثابه ظرفیتی عظیم در نظر گرفت که با سیاست گذاری صحیح و خرج ظرافت های اجرایی، می توان بر غنای هرچه بیشتر آن افزود؛ بدین صورت که بومیان نه تنها برخوردی منفعلانه با فرهنگ مهاجم (گردشگران) نداشته باشند، بلکه فعالانه سعی بر انتقال و معرفی هویت بومی و فرهنگ محلی خود به گردشگران داشته باشند.

جمع بندی

بخشی از مشکلات که در فرهنگ عامه ریشه دارند، میان هر سه منطقه و خاصه در بین دو کرانه خزر و خلیج فارس، باتوجه به تراکم جمعیتی بیشتر نسبت به منطقه مکران، مشترک است: سگ گردانی در سواحل، فروش قلیان در سواحل و استفاده بی حد و حصر آن توسط گردشگران، پوشش نامناسب گردشگران در مناطق ساحلی، استفاده نادرست از ظرفیت ساحل و دریا برای تفریحات آبی و... بعضی از مشکلات مشترک سواحل کشورند. آنچه به عنوان یکی از ریشه های بسیار مهم بروز این قبیل معضلات و عدم استفاده از ظرفیت های بالقوه و حتی بالفعل موجود در سواحل به نظر می رسد، نبود هماهنگی کافی میان دستگاه های متولی و مدیریت یکپارچه و حتی یک مرحله پیش تر از آن، تعیین نشدن و تفهیم نشدن درست مأموریت هر یک از سازمان های ذی ربط در ارتباط با سواحل است. توضیح آنکه علاوه بر نبود یک ستاد مشترک میان سازمان هایی همچون شیلات، میراث فرهنگی و گردشگری، اداره بنادر و کشتی رانی، منابع طبیعی، راه و شهرسازی، گمرک، مناطق آزاد و... برای تصمیم گیری در حوزه سواحل، بنظر می رسد دستگاه های متولی امر، متوجه مسئولیت خود در قبال سواحل نبوده و نیستند. از سویی دیگر، تصدی گری کامل دولت در مدیریت سواحل و نبود امکان ورود بخش خصوصی به این عرصه، باعث شده است تا در سایه نبود سیاستی جامع در حوزه سواحل، فضای رهاشدگی بر سواحل کشور خیمه افکند. درحالی که بخش خصوصی می تواند به دور از پیچیدگی های تصمیم سازی های دولتی، با کاربست ظرفیت جوانان بومی مناطق ساحلی، به عنوان نیروی آماده کار، حداکثر ظرفیت سواحل را به کار ببندد و در عین خلق ارزش برای کشور، به اشتغالزایی در کشور نیز کمک شایانی کند.

۳. چارچوب راهبردی

۱.۳. حق و عدالت فرهنگی

در این راهبرد، به پیوست عدالت فرهنگی برای طرح‌ها نیز توجه شده است و برنامه‌ریزی و اقدامات به شیوه‌ای خواهد بود که با افراد در زمینه استفاده و بهره‌مندی از عرصه ساحل با عدالت رفتار شود و امکان استفاده برابر از آن برای مردم فراهم باشد. این راهبرد با تلاش برای برطرف کردن بی‌عدالتی در عرصه ساحل، ناامیدی را از میان می‌برد و همچنین می‌تواند زمینه‌ساز راهبردهایی مانند مردمی‌سازی باشد. تخصیص امکانات و قیمت‌گذاری آن‌ها به نحوی که در دسترس و آماده استفاده برای همه کسانی باشد که در سواحل حضور می‌یابند، در راستای تحقق عدالت فرهنگی تلقی می‌شود.

۲.۳. سنخ‌شناسی و فرصت محوری

هرکدام از کرانه‌های مکران و خلیج فارس و خزر، ویژگی‌های طبیعی خاصی دارند. برخی از این سواحل اساساً ناشناخته و اصطلاحاً بکر هستند. در این راهبرد، نیاز است تا ابتدا انواع سواحل (مرجانی، صخره‌ای، ماسه‌ای و پست) طبقه‌بندی شود، سپس اطلاعاتی از نوع استفاده‌ای که می‌توان از این سواحل داشت نیز مشخص گردد. در مواجهه با عرصه ساحل، علاوه بر سعی در برطرف ساختن و حل کردن مسائل، باید رویکرد فرصت‌محور را اتخاذ کرده و با رویارویی فعال با عرصه ساحل، از فرصت‌ها و ظرفیت‌های موجود استفاده کرد. این رویکرد باعث می‌شود سرمایه اجتماعی افزایش یابد، همچنین از تهدیدهایی که بالقوه این عرصه را تهدید می‌کنند، جلوگیری شود. در عرصه ساحل، با توجه به جاذبه و زیست‌بوم خاص موجود، فرصت‌های بسیار زیادی به صورت بالقوه مطرح است که باید در جهت بالفعل کردن این ظرفیت‌ها اقدامات لازم انجام شود.

۳.۳. هویت فرهنگی

مردم ساحل‌نشین و فرهنگ ساحلی، هویت بومی و خاص خود را دارند. این راهبرد به ضرورت پاسداری از این هویت و حفظ آن اشاره دارد. این راهبرد علاوه بر رویکرد سلبی که به عنوان مثال مقابله با هجوم گردشگری ساحلی است که به آسیب به فرهنگ بومی منجر می‌شود، اقدامات ایجابی مانند راه‌اندازی بازارهای محلی را نیز در دستور کار خود قرار خواهد داد. هویت فرهنگی فروملی که در این ساحت مطرح می‌شود، فرصتی برای ایجاد پویایی و حیات فرهنگی، عامل ایجاد و گسترش نشاط فرهنگی و زمینه‌ساز تقویت و تثبیت هویت ملی و دینی است.

۴.۳. خانواده محوری

در فرهنگ ایرانی اسلامی، خانواده واحد بنیادین جامعه است. خانواده محوری باعث انسجام و همبستگی اجتماعی می شود که راهبرد مهم دیگری در برنامه فرهنگی ساحل است. حفظ نظم در جامعه و فراهم شدن بستری برای رشد و پیشرفت از ثمرات دیگر این راهبرد در عرصه ساحل است. فعال کردن این رویکرد و تلاش برای بسط آن در ساحل باعث می شود پدیده های ناهنجار و ضد فرهنگی که در حال حاضر یکی از معضلات در عرصه ساحل است، کاهش پیدا کند.

۵.۳. مردمی سازی و مردم محوری

در راهبرد مردمی سازی تلاش می شود با اقدامات و برنامه های مختلف، توده های مردم به شکل حداکثری در عرصه ساحل درگیر و دخیل شوند. این رویکرد باعث می شود از مشارکت مردم استفاده و مهم تر از این، زمینه برای خلاقیت و تلاش مردم حوزه ساحل آماده شود. این راهبرد همچنین به یاری راهبرد هویت فرهنگی خواهد آمد و می تواند از طریق محور قراردادن مردم در اقدامات، هویت بومی را نیز تقویت کند.

۶.۳. انسجام اجتماعی

انسجام اجتماعی نوعی از ترتیبات اجتماعی است که تضمین می کند افراد، نهادها، سازمان ها و گروه های مختلف اجرایی در سطوح مختلف به اشتراک ذهنی (الگوهای ذهنی مشترک) برسند، قابلیت همکاری با یکدیگر را بیابند، به قوانین موجود احترام بگذارند، از امکانات جامعه استفاده کنند و در مقابل، توانایی های خویش را براساس هوش ها و توانمندی های چندگانه شناسایی کنند و پرورش دهند و در اختیار جامعه بگذارند. برای ادامه حیات جامعه و حرکت به سمت این اهداف، حفظ انسجام اجتماعی و همبستگی اجتماعی ضروری می نماید. راهبرد انسجام اجتماعی در عرصه ساحل، علاوه بر اینکه موجب می شود میان مردم ساحل همدلی، توافق و هماهنگی به وجود بیاید، زمینه را برای توسعه ظرفیت ها و توانایی های موجود در فرهنگ ساحلی فراهم می کند.

۷.۳. امید و نشاط آفرینی

حاکمیت فضای یأس و ناامیدی در هر فرهنگ، موجب سکون و رکود خواهد شد. یکی از بسترهای بسیار مناسب برای افزایش امید در مردم و نشاط آفرینی ساحل است. برنامه های متنوع اجرایی در ساحل، علاوه بر امید و نشاط آفرینی، می تواند مقوم دیگر راهبردها نیز باشد و برای اتخاذ و اجرای آن ها راهگشا باشد.

۸.۳. نگاه فراملی

مناطق ساحلی ایران، به دلیل همجواری با کشورهای حاشیه خلیج فارس و همچنین کشورهای حوزه دریای خزر، مؤلفه‌های فرهنگی مشترکی با یکدیگر دارند. تکیه بر این اشتراکات فرهنگی، با طراحی رویدادهایی میان کشورها، با محوریت سواحل، می‌تواند علاوه بر تقویت ارتباطات میان فرهنگی کشورهای همسایه، باب تعاملات اقتصاد فرهنگ را نیز بگشاید. ملت‌ها و فرهنگ‌ها در عصر حاضر باتوجه به تحولات پیش آمده، از اتخاذ رویکرد فراملی ناگزیرند. در عرصه ساحل، این نگاه فراملی و بین‌المللی ضروری‌تر می‌نماید. البته باید به تأثیرات گوناگون این نگاه توجه کرد و علاوه بر تلاش برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های مناسب برای فرهنگ بومی، مانند رونق اقتصادی، معرفی فرهنگ بومی به دیگر فرهنگ‌ها و...، از آسیب‌دیدگی نیز جلوگیری و با پدیده‌ها و اقداماتی که فرهنگ بومی را به انزوا برده و یا تنزل می‌دهد مقابله کرد.

۴. برنامه‌های پیشنهادی

این سند بناست بر سه حوزه گردشگری، حجاب و عفاف و سرگرمی تمرکز کند. بنابراین، برنامه‌های پیش‌رو را می‌توان ذیل سه بخش جمع کرد:

الف) گردشگری

- ۱- باتوجه به بهره‌مندی سواحل ایران از ظرفیت همجواری با کشورهای دارای مرز دریایی با ایران، بخش دولتی، خاصه وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، می‌تواند از طریق رایزنی با وزارت گردشگری کشورهای ساحلی همسایه، بازارچه‌های مشترک فرهنگی راه بیندازد. توضیح آنکه مشترکات فرهنگی مناطق ساحلی دو کشور در گذر تاریخ حفظ شده‌اند و این مشترکات، بستر مناسبی است برای حضور در کشور دیگر و راه‌اندازی بازارچه‌های فرهنگی، با هدف تقویت اشتراکات فرهنگی از طرفی و همچنین ترغیب هرچه بیشتر گردشگران برای بازدید از چنین بازارچه‌هایی.
- ۲- سواحل، بستر بسیار مناسبی است برای به نمایش گذاشتن صنایع دستی که از قضا، برآمده از خود دریاست. (تأسیس بازارچه ساحلی دائمی). برای مثال مردم جنوب با استفاده از صدف‌های دریایی و ستاره‌های دریایی، هنرآفرینی کرده و سعی می‌کنند کالاهایی زینتی را با دستان خود خلق کنند. فعال کردن این ظرفیت و سازماندهی آن، هم سبب جذب گردشگر و درآمدزایی مردم بومی منطقه می‌گردد و هم از دیگر سو، زمینه را برای انتقال این هنر به نسل‌های آینده فراهم می‌کند.

- ۳- تجربه حضور در ساحل و چشیدن طعم خوراکی‌های مناطق ساحلی، لذت گردشگری را دوچندان می‌کند. امروزه به صورت پراکنده عده‌ای از مردم، خودجوش و بدون هیچ‌گونه سازماندهی، در کرانه دریا غذاهای محلی می‌فروشند و گردشگران نیز طبیعتاً ترجیح می‌دهند به جای نشستن در رستوران‌های اشرافی و خوردن غذاهای تکراری که در همه شهرها یافت می‌شود، طعم جدیدی را بچشند. لذا با تأسیس بازارچه ساحلی دائمی، می‌توان بخش فروش اغذیه محلی را نیز سازماندهی کرد.
- ۴- زیباسازی سواحل با نصب آلاچیق‌ها، راه‌اندازی پیست دوچرخه سواری، نورپردازی مناسب در شب و... در جذب حداکثری گردشگران نقش مهمی را ایفا و حس رضایت از حضور در محیط را در گردشگران ایجاد می‌کند.
- ۵- تسهیل حمل‌ونقل میان‌شهری و درون‌شهری برای وصول به مناطق ساحلی. توضیح آنکه دولت باید با تخصیص بودجه مقتضی به وزارت راه و شهرسازی به منظور به‌سازی زیرساخت‌های مسیرهای منتهی به شهرهای ساحلی، زمینه را برای حضور هرچه بیشتر گردشگران در این شهرها فراهم سازد؛ مانند افزایش خطوط هوایی به شهرهای ساحلی. همچنین سازمان اتوبوس‌رانی باید به‌منظور تسهیل جابه‌جایی گردشگران درون‌شهر، در شهرهای ساحلی، خطوط بی‌آرتی یا تراموا را تأسیس کند.
- ۶- توسعه گردشگری دریایی از طریق تسهیل شرایط برای نقش‌آفرینی بخش خصوصی. کشتی‌های کروز و امکانات تفریحی بسیار متنوع دریانوردی در مناطقی از دنیا که شرایط مطلوبی در این حوزه دارند، سبب جذب حداکثری گردشگران به این مناطق شده است. گفته می‌شود امارات طی دوره‌ای ۷ ساله در سال ۲۰۱۲ توانست از حدود ۶۰۰ هزار گردشگر دریایی، صرفاً از طریق پهلو گرفتن کروزهای مسافری پذیرایی کند. باتوجه به پویایی این عرصه و لزوم به‌روزرسانی امکانات گردشگری دریایی، بهتر است بخش خصوصی متولی این عرصه قرار گیرد و در چارچوب قوانین و دستورالعمل‌های اداره بنادر و دریانوردی نقش‌آفرینی کند.
- ۷- برپایی رویدادهایی با محوریت شخصیت‌های اسطوره‌ای مناطق ساحلی. توضیح آن‌که در هرکدام از شهرهای ساحلی، افسانه‌ها و اسطوره‌هایی وجود دارند که نسل‌به‌نسل و سینه‌به‌سینه منتقل شده‌اند و در حکم فرهنگ شفاهی آن منطقه‌اند. می‌توان رویدادهایی را در سواحل با محوریت این شخصیت‌ها، طراحی نمود و با نمادسازی از این شخصیت‌ها، علاوه بر جذابیت‌آفرینی برای گردشگران و حتی شهروندان، اسباب تثبیت فرهنگ عامه و انتقالش به نسل‌های بعدی را فراهم کرد.

(ب) عفاف و حجاب

- ۱- ایجاد امکان استفاده رایگان یا با تخفیف از امکانات تفریحی و رفاهی موجود در سواحل برای بانوانی که باحجاب بومی آن منطقه در سواحل حاضر می‌شوند.

- ۲- در نظرگیری مکان‌هایی برای شنا به صورت مجزا در دو بخش آقایان و بانوان؛ یعنی با وجود دورهمی خانواده‌ها در محیط عمومی سواحل، اگر افرادی، چه آقایان و چه بانوان قصد شنا داشتند، بتوانند در محیطی مجزا و غیرمختلط شنا کنند. حال می‌توان برای شنا در محیط‌های مجزا نیز برای پوشش، حد و نصاب معین کرد. بدیهی است که هرکدام از مناطق جداسازی شده، به امکاناتی همچون رختکن، محل فروش تجهیزات شنا و... نیازمند است.
- ۳- تخصیص غرفه‌ای در بازارچه دائمی ساحلی، به فروش و تبلیغ حجاب بومی منطقه ساحلی از طریق دعوت مردم برای کسب آگاهی هرچه بیشتر درباره حجاب بومی بانوان آن شهر و فروش لباس‌های محلی با قیمت‌های مناسب.
- ۴- استفاده از ظرفیت تئاترهای خیابانی برای پرداخت ضمنی به موضوع عفاف و حجاب و اجرای نمایش در سواحل. توضیح اینکه قرار نیست تئاتر به موضوع عفاف و حجاب اختصاص یابد، بلکه همین که بازیگران خانم نمایش، نقش زن بومی را ایفا کنند که حجاب محلی آن منطقه را بر تن دارد، اثرگذار است.

ج) سرگرمی

- ۱- از جمله فعالیت‌هایی که سواحل، میزبان خوبی برای آنها خواهند بود، فعالیت‌های ورزشی همچون فوتبال ساحلی، والیبال ساحلی، دویدن، دوچرخه‌سواری و... است. سازمان‌هایی همچون وزارت ورزش و جوانان می‌توانند حسب فصول سال و با برنامه‌ریزی صحیح، فعالیت‌های ورزشی را در قالب مسابقات فردی یا گروهی طراحی کنند.
- ۲- فعالیت‌های مهیج و تفریحی که کم و بیش در بعضی سواحل جنوبی کشور مشاهده می‌شود، باید با سازماندهی و برنامه‌ریزی صحیح، گسترش یابد. غواصی در اعماق آب، پاراگلایدر و پرواز بر فراز دریا و مناطق ساحلی، جت‌اسکی و قدم‌زدن در کنار ساحل و...
- ۳- استفاده از ظرفیت هنرمندان برای ساخت قلعه‌های شنی یا طراحی نقش و نگارهای ساحلی در سواحل.
- ۴- راه‌اندازی جشنواره‌های فصلی بازی‌های محلی در سواحل و دعوت از خانواده‌ها برای حضور در این جشنواره. توضیح آنکه به منظور انتقال فرهنگ محلی به نسل آینده، نشاط‌آفرینی در میان خانواده‌ها و فضای عمومی جامعه عموماً و همچنین تکیه بر نهاد خانواده، در فصول مختلف سال و براساس مناطق جغرافیایی سواحل، جشنواره بازی‌های محلی را در کرانه دریاها راه‌اندازی کرد.

۵. نکات نهادی

- الف- با توجه به تشکیل و استقرار ستاد ساماندهی سواحل در سازمان اجتماعی وزارت کشور، مسئولیت پیگیری و راهبری مفاد این برنامه به عهده سازمان اجتماعی وزارت کشور خواهد بود.

ب- دستگاه‌های عضو شورای فرهنگ عمومی کشور متناسب با نوع برنامه و با راهبری سازمان اجتماعی وزارت کشور، موظف به همکاری با این سازمان می‌باشند.

ج- با توجه به مباحث مطرح و مصوب شده در جلسه ۷۷۷ شورای فرهنگ عمومی کشور، اجرایی‌سازی برنامه‌های فرهنگی سواحل در محدوده‌های شهری به عهده شهرداری‌ها و در سواحل خارج از محدوده شهری، بر عهده فرمانداری خواهد بود که این مهم را سازمان اجتماعی وزارت کشور راهبری و مدیریت خواهد کرد.

د- سازمان اجتماعی وزارت کشور موظف است هر ۶ ماه یک بار، مجموعاً دو بار در سال؛ انتهای فصل تابستان و انتهای فصل زمستان، اقدامات و درصد تحقق برنامه حاضر را به دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی برای طرح و بررسی در صحن اصلی شورا گزارش کند.

ه- مدیرکل امور اجتماعی استانداری در هر استان نیز موظف است برش استانی برنامه حاضر را در سطح هر استان تدوین کرده و با همکاری دستگاه‌های مختلف اجرایی کند.

دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور